

در اواردوره محمد شاه و اوایل دوره ناصری مردی به نام آقا محمد علی، با بانویی به نام (خانم) ازدواج می کند. آقا محمد علی از تجار و بازرگانان دوره خود و در اصل از اهالی بهار همدان بوده است. پس از چندی خداوند آنها را صاحب پسری می کند که نام او را علی می گذارند. متأسفانه زمانی که علی ۷ یا ۸ ساله شد، پدرش یعنی آقا محمد علی به علت بیماری فوت می کند و همین امر موجب تحول اساسی در زندگی علی و مادر جوانش خانم می گردد.

آنها با استفاده از تمکن مالی و ارتباطات مرحوم آقا محمد علی (پدر علی) به تهران عزیمت کرده و ساکن تهران می شوند و با گذشت یکی دو سال مادر علی با یکی از صاحب منصبان دربار ناصری به نام حاج میرزا ابراهیم خان ازدواج می کند.

ابراهیم خان رئیس موسیقیدانان دربار و از ورزشکاران دوره خود بود، به همین دلیل علی نوجوان - فرزند خوانده خود - را به تعلیم موسیقی نزد اساتید آن دوره می فرستد، و ساز کمانچه را برای او انتخاب می کند.

علی استعداد و توانمندی شگرفی از خود نشان می دهد و به سرعت مراحل یادگیری را پشت سر گذاشته و به نوازنده قابل در دوره خود تبدیل می شود. همین قابلیت او بود که بعدها برایش اسباب زحمت شد، بدین گونه که بین دربار تهران و اصفهان بر سر حضورش کشمکش و دلخوری ایجاد شد.

ظل السلطان و خواهرش بانو عظمی که در دربار اصفهان ساکن بودند، آوازه علی را که دیگر به میرزا علی خان ملقب گشته بود را شنیده و خواهن حضور او در اصفهان می شوند، اما دربار تهران به او اجازه خروج نمیداد.

ظل السلطان در سفری به تهران مخفیانه ترتیب سفر میرزا را به اصفهان داد، و این چنین بود که بدون اجازه دربار ناصری عازم اصفهان شد. در این مقطع علی خان صاحب زن و فرزند بود، ولی ناچار بود به این سفر برود. او نزدیک به سه سال مقیم دربار ظل السلطان بود.

در این هنگام بنا به پاره ای اختلافات بوجود آمده با دربار اصفهان و دلتنگی او نسبت به عیال و فرزندان عزم سفر به تهران کرد، ولی باز هم دربار به او اجازه خروج نمی داد.

اما این بار خواهر ظل السلطان (بانو عظمی) که جان میرزا علی خان را در خطر میدید، مبلغی چشمگیر به او داده

و اسباب فرار او را به تهران فراهم می کند. از اینجا به بعد بود که ارتباط علی خان با هر دو دربار قطع شد. به همین

دلیل با وجود محبوبیتی که میرزا علی خان در هر دو دربار داشت نام او از دستگاه موسیقی درباری آن زمان حذف شد.

پس از این ماجرا او در تهران خانه ای خریداری و تا آخر عمر در آن زندگی کرد.

میرزا علی خان بهاری قبل از عزیمت به اصفهان با خانمی به نام بی بی خانم ازدواج کرد، که از او صاحب هشت فرزند به نامهای قمر خانم، رضا، اکبر، گوهر خانم، حسین، حسن، عبداله و مهدم خانم شد.

تمام فرزندان میرزا علی خان با موسیقی و هنر آشنایی داشتند. اما از بین همه آنها رضا، اکبر و حسین صاحب نام شدند.

از دخترهای میرزا علی خان یکی گوهر خانم بود که با مردی به نام نایب محمد تقی خان ازدواج می کند. محمد تقی خان خود یک صاحب منصب دولتی بوده که به کار اجاره داری املاک و باغات نیز اشتغال داشته و ساکن شمیران (دزآشپ) بوده اند.

این دو صاحب فرزندی می شوند که یکی از آنها علی اصغر در سال ۱۲۸۴ شمسی متولد می شود.

زمانی که علی اصغر در سنین ۷ یا ۸ سالگی بوده پدرش محمد تقی خان بنا به دلایلی دچار ورشکستگی شده مجبور به فروش املاک خود می شود و از این به بعد در منزل پدر همسر خود یعنی میرزا علی خان بهاری ادامه زندگی میدهند.

این ماجرا نقطه عطفی در زندگی علی اصغر بود، چرا که حضور او در منزل پدر بزرگ پر آوازه و دایمی های نامدار می توانست آغازی برای ورود او به عالم هنر باشد که همین طور هم شد.

مدتی بعد گوهر خانم از پدر خویش (میرزا علی خان) خواست تا فرزند ۱۰ ساله اش (علی اصغر) را تحت تعلیم قرار دهد.

علی اصغر با جثه ای ریز ولی اشتیاقی عظیم پا به مکتب پدر بزرگ گذاشت. به واسطه استعداد این نوه میرزا علی خان به اشتیاق آمد. چرا که او خیلی سریع پیشرفت می کرد، به طوری که عموم مطالب فقط یک بار برای او نواخته می شد و این فرصتی شد تا ردیف موسیقی به روایت میرزا علی خان (که خود یکی از ردیف دانان و جمع آوری کنندگان آن در عهد ناصری بوده) خیلی زود به نوه اش منتقل شود.

پدر علی اصغر در همین سالها از دنیا می رود و او وابستگی بیشتری به خانواده مادری پیدا می کند. میرزا علی خان پس از سه سال آموزش به نوه خود از پسر بزرگش رضا خان می خواهد که ادامه تعلیم او را به عهده بگیرد. بدین ترتیب علی اصغر ۱۳ ساله نزد دایی خود رضا خان به تکمیل آنچه از پدر بزرگ آموخته می پردازد. دوسه چهار سالی در محضر او مشق می کند. متأسفانه در همین ایام پدر بزرگ و معلم اول او دار فانی را وداع میگوید. او اینک ۱۵ یا ۱۶ سال سن دارد و نوازنده ای کامل است.

در جلسه ای کلنل مین باشیان قطعه ای را اجرا می کرده و از علی اصغر نوجوان می خواهد که او را همراهی کند. علی اصغر با کمانچه به همنازی با او می پردازد و به شدت مورد تشویق حضار و کلنل قرار میگیرد. نوازندگی او مورد تأیید و تکریم مین باشیان قرار می گیرد و از او می خواهد کارش را با جدیت دنبال کند.

از این پس بود که به همراه دایی های خود به اجرای برنامه پرداخت و اولین گروهی که به طور رسمی در آن به اجرای کمانچه پرداخت گروه ابراهیم خان منصوری بود.

همزمان با ترغیب رضا خان کمانچه نواز نزد رضا خان محبوبی رفت تا سبک و سیاقی خارج از فرم خانوادگی را نیز بیاموزد.

رضا خان محبوبی مدت ۷ یا ۸ ماه به او تعلیم میدهد. نکته جالب این که ماهیانه مبلغی سنگین به عنوان شهریه از علی اصغر می گیرد و پس از پایان دوره همه را یکجا بر می گرداند و به او می گوید این کار را کردم تا تو بیشتر تلاش کنی و گرنه من به این پول نیازی ندارم، اگر تو شهریه نمی دادی به دقت کار نمی کردی و شاید اصلاً به کلاس نمی آمدی. علی اصغر جوان اینک تجربه ای نو به دست آورده و آن نوازندگی با ویلن است. او نزدیک به بیست سال ویلن نواخت.

در سن ۲۷ سالگی در سفری به مشهد، به تشویق دوستانش در آن شهر کلاسی دایر کرد و نزدیک به دو سال و نیم مقیم آنجا بود. پس باز گشت قبل از تأسیس رادیو سراسری با رادیو محلی مغل رادیو ارتش و مانند آنها همکاری کرد. بین سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ دایی های خود را از دست داد و تقریباً به عنوان تنها عضو نوازنده و موسیقیدان سنتی از آنداندان باقی ماند.

از حدود ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۲ که رادیو افتتاح شد او به طور جدی ویلن نواخت، اما پس از تأسیس رادیو در هیچ جمع رسمی از ویلن استفاده نکرد.

پس از اینکه برای همکاری با رادیو از ایشان دعوت شد، فرصت را مغتنم شمرته و با ساز کمانچه پا به میدان گذاشت. همین تعلیم او باعث احیای ساز کمانچه شد، چرا که در آن زمان دیگر کسی با این ساز نوازندگی نمی کرد. همکاری او با برنامه های تکنوازان، گلها، برگ سبزوخیلی از برنامه های دیگر ادامه یافت تا اینکه تلویزیون تأسیس شد. پس از آن به عنوان اولین سولیست تلویزیون به اجرای برنامه پرداخت و این همکاری تا سال ۵۷ ادامه داشت. علی اصغر بهاری در اواسط دهه چهارم زندگی خود از طرف جامعه هنری ملقب به استادی شد، چرا که علاوه بر دانش موسیقایی و ساخت قطعات مختلف و چیره دستی در نوازندگی و روایتگری بخشی از تاریخ موسیقی عهد قاجار، یگانه احیاگر ساز کمانچه بود. سازی که بدون همت بهاری شاید امروزه دیگر رونقی نداشت.

استاد بهاری با تأسیس هنرستان موسیقی، دانشکده هنرهای زیبا، مرکز حفظ و اشاعه موسیقی به همکاری با آنها پرداخت و شاگردان متعددی را پرورش داد.

او از سال ۱۳۴۶ به کشورهای مختلف اروپایی دعوت شد و برنامه های پرا در رادیو و سالنهای معتبر اجرا کرد، از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، انگلیس و در اواخر عمر آمریکا.

او در طول فعالیت هنری خود با هنر مندانی چون صبا، تهرانی، عبادی، قوامی، دوامی، اقبال آذر، علی اکبر خان شهنازی، جلیل شهناز، ادیب خوانساری، بنان، شریف، ورزنده، پایور، نریمان، ملک، فرهنگ فر، شجریان و بسیاری دیگر همکاری داشت.

منبع : آرشیو خانوادگی

کارگاه سازگری مازیا کر بلاپی

---

WWW.KARBALAE.COM